

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین سعیدی "سعید افغانی"

۲۸ فیبروری ۲۰۲۱

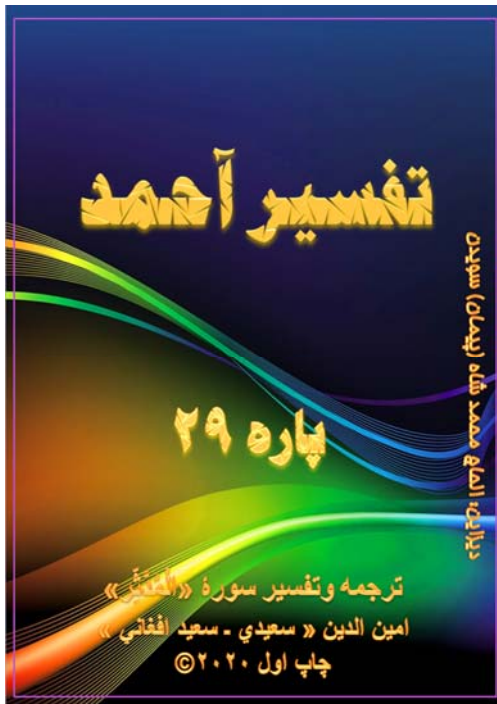
بسم الله الرحمن الرحيم

ترجمه و تفسیر سوره

الْمُدَّثِّرُ

سوره الْمُدَّثِّرُ در مکه مکرمه نازل شده و دارای پنجاه و شش آیت و دو رکوع می باشد.

۲



وَتِيَابِكَ فَطَهَّرَ (۴)

و لباس هایت را پاک کن (۴)

تأثیر و جذابیت نفوذ کلام رهبر آسمانی آن است که شخصیتش از هر گونه آلودگی پاک و نظیف باشد.

مفسرین می فرمایند: که پیمودن راه کمال و رسیدن به مقامات عالی کار آسانی نیست بلکه به علت وجود موانع در این راه کار دشوار شده و بر انسان مؤمن لازم است که برای بر طرف ساختن آن‌ها به تزکیه و جهاد با نفس خویش بپردازد.

در اهمیت تزکیه نفس همین بس که قرآن عظیم الشان پس از یازده مرتبه قسم در سوره شمس، تزکیه نفس را تنها عامل رستگاری و وصول به سعادت فردی معرفی داشته است.

همچنان در آیت «وَتِيَابِكَ فَطَهَّرَ» این فهم را بوضاحت روشن می سازد که نظافت و پاکی در کنار توحید و تکبیر نشانه توجه

دین به پاکیزگی است، نه فقط پاکی بدن بلکه نظافت و پاکیزگی لباس نیز مورد توجه دین مقدس اسلام می باشد.

پروردگار با عظمت ما در (آیت ۲۲۲ سوره بقره) می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (همانا خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و پاکان را نیز دوست دارد.) و در احادیث، طهارت جزء ایمان گفته شده است.

قتاده در معنی آن می‌گوید: «نفست را از گناه پاکیزه بدار». لذا با این تأویل، مراد از آن طهارت نفس است زیرا اعراب شخصی را که به عهد خداوند متعال وفا نمی‌کرد، پلید جامه می‌نامیدند و کسی را که به عهد وی وفا کرده و به لباس صلاح آراسته می‌بود، پاک جامه می‌نامیدند. و هر دو معنی صحیح است زیرا طهارت حسی عادتاً متلازم با طهارت معنوی یعنی دوری از گناهان می‌باشد چنان که عکس قضیه نیز صحیح است چرا که وجود پلیدی‌ها گاهی با بسیاری گناهان همراه می‌باشد.

### وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ (۵)

واز پلیدی‌ها بپرهیز (۵)

«فَاهْجُرْ»: دوری کن

«رَجَز» به ضم را و کسر آن، معنای هر دو یکی است، از میان آئمه تفسیر مجاهد، عکرمه، قتاده، زهری، ابن زید و غیره «رَجَز» را به بت معنی کرده اند، و در روایتی از حضرت ابن عباس (رض) آمده است که مراد از آن، هر گناه و معصیت است، لذا معنای آیت این است که؛ همه بتها و معصیت و گناه‌ها را کنار بگذار، رسول الله صلی الله علیه وسلم از اول همه این بت‌ها را کنار گذاشته بود، لذا منظور چنین دستور دادن به آن حضرت صلی الله علیه وسلم این است که در آینده نیز از اینها دوری گزیند و در حقیقت این حکم تعلیمی برای امت است، که به خاطر نهایت تأکید رسول الله صلی الله علیه وسلم مخاطب قرار داده شده است تا آنان بدانند که وقتی به پیامبر چنین دستور داده شده است ما باید اهتمام بیشتر داشته باشیم. (مراجعه شود به تفسیر معارف القرآن مؤلف علامتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی سوره المدثر).

با تمام قوت باید گفت که؛ خودسازی مقدم بر جامعه سازی است. کسی که می‌خواهد جامعه را از آلودگی پاک کند، باید خودش اول از هر نوع آلودگی پاک و نظیف باشد.

یعنی تا زمانی که خودش چیزی نداشته باشد، نمی‌تواند آن را به دیگران بدهد. پس اگر انسان خود را نساخته باشد، نمی‌تواند در ساختن دیگران که به وسیله همان «امر به معروف و نهی از منکر» صورت می‌پذیرد گام مؤثری بردارد. نباید فراموش کرد که مقدم بودن «خودسازی» بر «دیگر سازی یا جامعه سازی»، تقدم زمانی نیست، که با خود بگوید فعلاً به اصلاح دیگران و یا به اصلاح جامعه سر و کاری ندارم، بلکه اول باید خود را اصلاح کنم و به اصطلاح به خودسازی خود مشغول شود.

توجه باید کرد که «وجود» انسان و ابعاد آن بسیار بسیط است. نه انسان محدود است و نه کمالات. لذا «خودسازی» مثل برطرف نمودن گرسنگی نیست که محض پر شدن معده، هدف حاصل شده باشد. بلکه انسان تا هست باید به سوی کمالات سوق شود. پس تا هست باید به «خودسازی» خویش پردازد.

### وَلَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْبِرُ (۶)

و به هر که احسان کنی ابداً منت مگذار و عوض افزون مخواه (۶)

آیت مبارکه این فهم را می‌رساند، عبادت و انفاق را که به عمل می‌آوری نه برالله تعالی منت بگذار و نه بر خلق خدا منت گذار. زیرا منت گذاشتن و چشم داشتن در انفاق‌ها و عطایا، از مصادیق پلیدی روح است. طوریکه با زیبایی خاصی می‌فرماید: «وَالرُّجْزَ فَأَهْجُرْ وَلَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْبِرُ»

در آیات قرآنی با تمام وضاحت بیان گردیده است که؛ قبولی هر عملی متوقف بر تحقق دو شرط نیت پاک و عمل صالح است. به این معنا که عملی مقبول خداوند بوده و موجب تقرب می‌شود که از حسن فاعلی یا همان نیت پاک و حسن فعلی یعنی کردار و عمل نیک و صالح برخوردار باشد و هر چیزی که مانع از تحقق این دو شرط باشد، به معنی عدم قبولی

و تقرب خواهد بود. اما گاه می‌شود که عمل هر دو شرط را دارا می‌باشد ولی مقبول و مقرب نباشد؛ زیرا کارهایی پس از آن انجام می‌گیرد که موجب ابطال عمل می‌شود. از جمله موجبات احباط، می‌توان به منت‌گذاری اشاره کرد. منت‌گذاری، رفتاری است که عمل مقبول و آثار آن را از میان می‌برد.

### وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (۷)

و به خاطر پروردگارت صبر کن. (۷)

پروردگار با عظمت بعد از کمال عقل و کمال اخلاق عالی که رسول الله صلی علیه وسلم از آن برخوردار بود، خصوصیت بی نظیر پیامبر اسلام، صبر، بردباری و استقامتی است که از همان آغاز رسالت، الله تعالی بر دوش پیامبر گذاشت. در آیت شریفه: «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (و به خاطر پروردگارت شکیبایی کن.) از همان آغاز رسالت این دستور نازل شد که باید برای پروردگارت صبر کرده و استقامت به خرج دهی.

همچنان در (آیت ۳۵، سوره احقاف) می‌فرماید: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (پس صبر کن آن گونه که پیامبران «أولو العزم» صبر کردند).

پیامبر صلی الله علیه وسلم، دائماً و در هر حالت پایداری و استقامت داشت، هر سختی که می‌دید آن را برای پیشبرد دین مقدس اسلام به جان می‌خرد، استقامت و پایداری آنحضرت به حدی رسید که قرآن عظیم الشان در (آیت ۲، سوره طه) خطاب به ایشان فرمود: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که (از کثرت عبادت الله و جهد و کوشش در هدایت خلق) خود را به رنج در افگنی).

### فَإِذَا نَقَرَ فِي النَّاقُورِ (۸)

پس زمانی که در صور دمیده شود (۸)

«نُقِرَ» دمیده شود (مراد از ناقور در اینجا، دمیدن دوم در صور است)

«الناقور» (ناقور) چیزی است که برای ایجاد صدا از آن استفاده به عمل می‌آید. که برای زنده شدن بار دوم مردگان، به صدا در می‌آید.

### صور چیست؟

در قرآن عظیم الشان، به دو نفخ در صور تصریح به عمل آمده است؛ نفخه اول که در اثر آن همه می‌میرند و نفخه دوم که در اثر آن دوباره همه زنده می‌شوند.

از جمله «نُقِرَ فِي النَّاقُورِ» این واقعیت را برای ما انسانها می‌رساند که؛ پایان این جهان و آغاز جهان دیگر، با صدائی وحشتناک صور آغاز می‌یابد.

صور، در زبان عربی، به «شیپور» گفته می‌شود. صحابه کرام در مورد ماهیت صور، از رسول الله صلی الله علیه وسلم سؤال نمودند، رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را به چیزی که نزد عرب شناخته شده بود، تفسیر نمود.

از عبدالله بن عمرو بن عاص، روایت شده که شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و پرسید: صور چیست؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: صور، شاخی است که در آن دمیده می‌شود. (سلسلة الاحادیث الصحیحه (۶۸/۳) شماره (۱۰۸۰)).

از حسن بصری (رض) روایت شده است که می‌گوید: صور، جمع صوره است و به معنای دمیدن در اجساد مردگان است، تا دوباره زنده شوند و روح بیرون رفته به کالبد مادی باز گردد.

از ابو عبیده و کلبی روایت است که: صور با «واو ساکن» جمع صور است. همان‌طور که سور (دیوار پیرامون شهر) جمع مسوره، صوف جمع صوفه و بسر جمع بسره است. منظور از دمیدن در صور، دمیدن در اجساد است، تا ارواح به آن‌ها باز گردند.

### یادداشت های توضیحی تفسیر و تأویل صور:

اول: قبل از همه باید گفت؛ قرائت فوق که به حسن بصری نسبت داده شده است، از امامانی که قرائت‌شان دلیل به شمار می‌رود، نقل نشده است، بلکه شاذ یا ضعیف هستند.

دوم: براساس دیدگاه ابو عبیده و کلبی، جمع صور، صور، با فتحه واو است نه با سکون واو. در قرآن عظیم الشان آمده است: «وَصَوْرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ» (سوره غافر: ۶۴) (و شما را شکل بخشید و شکل‌هایتان را زیبا آفرید). از کسی به اثبات نرسیده است که صور را با واو ساکن قرائت کرده باشد.

سوم: کلماتی که بیان کردند، جمع نیستند؛ بلکه اسم جمع هستند که میان آن‌ها و مفردشان، با «ة» فرق گذاشته می‌شود. چهارم: تفسیر صور به (اجساد)، خلاف عقیده اهل سنت و جماعت است، چون در این عقیده، صور به شیپور و بوق تفسیر شده است.

پنجم: تفسیر این گروه با تفسیر پیامبر صلی الله علیه وسلم در تضاد است.

ششم: الله تعالی می‌فرماید: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (سوره الزمر: ۶۸) (در صور دمیده می‌شود و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، می‌میرند، مگر کسانی که الله بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی به پا می‌خیزند و می‌نگرند).

بر اساس این آیت، دو بار در صور دمیده می‌شود، ولی زنده کردن یک بار صورت می‌گیرد؛ بنابراین نمی‌توان دمیدن در صور را به زنده کردن اجساد تفسیر و تأویل نمود. (التذكرة قرطبي (۱۸۲، ۱۸۵) و فتح الباری ابن حجر (۳۶۷/۱۱) و لسان العرب (۴۹۳/۲) اما این که برخی از دانشمندان گفته اند: صور از جنس یاقوت یا نور است، حدیث صحیحی در این باره وجود ندارد.

### صاحب صور کیست؟

ابن حجر عسقلانی می‌فرماید: دیدگاه معروف و مشهور همین است که صاحب صور اسرافیل است. حلیمی در این باره، اجماع را نقل کرده و در حدیث وهب من منبه، بدان تصریح شده است، در روایت بیهقی از ابو سعید و مردویه از ابو هریره و در حدیث طولانی صور، نیز به نام اسرافیل تصریح شده است. (فتح الباری (۳۶۸/۱۱))

رسول الله صلی الله علیه وسلم بیان می‌دارد که اسرافیل از روزی که آفریده شد، برای دمیدن در صور آماده گشته و همیشه منتظر ابلاغ دستور از سوی الله متان است. در مستدرک حاکم، از ابوهریره (رض) روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «إِنَّ طَرْفَ صَاحِبِ الصُّورِ مُنْذُ وَكَلَّ بِهِ مُسْتَعِدٌّ يَنْظُرُ نَحْوَ الْعَرْشِ مَخَافَةَ أَنْ يُؤْمَرَ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ طَرْفُهُ كَأَنَّ عَيْنَيْهِ كَوْكَبَانِ دُرِّيَّانِ» (سلسله الاحادیث الصحیحه (۶۶/۳) شماره (۱۰۷۹)) «از روزی که مسئولیت دمیدن صور به صاحب صور داده شد، نگاهش را به سوی عرش دوخته است، تا اندکی در دمیدن صور، از فرمان الله تأخیر نشود و او چنان به سوی عرش نگاه می‌کند، که گویی دو چشمش دو ستاره نورانی هستند».

## روز دمیدن صور:

مطابق روایات اسلامی رستاخیز، در روز جمعه برپا می‌شود. در صحیح مسلم از ابوهریره (رض) روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خَيْرُ يَوْمٍ طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِيهِ خُلِقَ آدَمُ وَفِيهِ أُدْخِلَ الْجَنَّةَ وَفِيهِ أُخْرِجَ مِنْهَا وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ» (مشكاة المصابيح (۴۲۷/۱) شماره (۱۳۵۶)) «بهترین روزی که افتاب در آن طلوع می‌کند، روز جمعه است، در روز جمعه آدم آفریده شد و در روز جمعه وارد بهشت شد و در روز جمعه از بهشت بیرون رفت و رستاخیز نیز روز جمعه برپا می‌شود.» در حدیثی دیگر رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین بیان داشتند که رستاخیز در روز جمعه برپا می‌شود و انسان‌ها نیز برای بار دوم در روز جمعه زنده می‌گردند.

## چند بار صور دمیده می‌شود؟

علمای اسلام در خصوص تعداد دفعات دمیدن در صور اختلاف نظر دارند بعضی می‌گویند دو بار و بعضی معتقدند سه بار دمیده می‌شود.

بنا بر نصوص وارد شده در مورد قیامت، اسرافیل دو بار در شیپور می‌دمد، بعد از صور اول تمام موجودات زنده هوش و حواس خود را از دست می‌دهند و بعد از صور دوم، همه موجودات، زنده می‌گردند، خداوند می‌فرماید: «وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» (سوره الزمر: ۶۸) (در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می‌گیرند و) به پا می‌خیزند و می‌نگرند (تا در حق ایشان چه شود و حساب و کتابشان کی انجام پذیرد و سرنوشتشان به کجا بینجامد).

قرآن کریم نفخه اولی را «راجعه» و نفخه دومی را «رادفه» می‌نامد، خداوند متعال می‌فرماید: «يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ \* تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ» (النازعات: ۶ - ۷) (رستاخیز و قیامت برپا گردد) در آن روزی که (نفخه اول، در صور دمیده می‌شود و) زلزله در می‌گیرد (و دنیا خراب می‌گردد و همگان می‌میرند) سپس (نفخه دوم، در صور دمیده می‌شود و زلزله نخستین) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت)

و در جایی دیگر صور اولی را «صیحه» نامیده و به وقوع دومی نیز تصریح فرموده است، می‌فرماید: «مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ، فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ، وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ» (سوره یس: ۴۹ - ۵۱) (جواب استهزاء ایشان، این است که آنان، چندان) انتظار نمی‌کشند مگر صدائی را که (ناگهان طنین‌انداز می‌گردد و موج آن) ایشان را در بر می‌گیرد (و نابودشان می‌گرداند) در حالی که با یک دیگر (به معامله و کار و بار روزمره زندگی، سرگرم و درگیرند. (این حادثه به قدری سریع و برق‌آسا و غافلگیرانه است که) حتی توانائی وصیت نمودن و سفارش کردن نخواهند داشت، و حتی فرصت مراجعت به سوی خانواده و فرزندانشان را پیدا نخواهند کرد. (برای بار دوم) در صور دمیده می‌شود و به ناگاه همه آنان از قبور بیرون آمده و به سوی محکمه (حساب و کتاب) پروردگارشان شتابان رهسپار می‌گردند.

در احادیث رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز به دو نفخه تصریح شده است، در صحیح بخاری و مسلم از حضرت ابوهریره روایت شده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَا بَيْنَ النَّفْخَتَيْنِ أَرْبَعُونَ قَالَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا قَالَ أَيْبُتُ قَالَ أَرْبَعُونَ شَهْرًا قَالَ أَيْبُتُ قَالَ أَرْبَعُونَ سَنَةً قَالَ أَيْبُتُ» (چهل) فاصله وجود دارد.

از ابوهریره سؤال شد، چهل روز، چهل ماه یا چهل سال فاصله دارد؟

ابوهریره می‌گوید: من از تعیین کردنش خوداری می‌کنم. (بخاری کتاب تفسیر و مسلم).

البته گروهی از علماء بر این عقیده هستند که نفخه (صور) سه بار صورت می‌گیرد، نفخه اولی را نفخه فزع می‌گویند، چون با دمیدن و شنیدن صدای آن مردم می‌هراسند و دومی را نفخه صعق می‌گویند، چون با دمیدن و شنیدن صدای آن مردم بی‌هوش می‌شوند و نفخه سومی را نفخه بعث می‌گویند، چون با دمیدن و شنیدن آن مردم زنده از قبور برمی‌خیزند. ابن العربی، ابن تیمیه، ابن کثیر و سفارینی بنا به آیت ذیل این دیدگاه را پذیرفته اند، خداوند منان در این مورد می‌فرماید: «وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ». (سوره النمل: ۸۷) و یادآور شو روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمین اند وحشت زده و هراسناک شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می‌گردند).

ولی ابن حزم می‌فرماید: نفخه‌های روز قیامت چهار تا هستند:

۱- نفخه مردن.

۲- نفخه زنده شدن. با نفخه دوم همه مردگان زنده می‌شوند و از قبور بیرون می‌آیند و به منظور حساب تجمع می‌کنند.

۳- نفخه فزع و صعق است که با شنیدنش بی‌هوش می‌شوند، ولی کسی جان نمی‌دهد و نمی‌میرد.

۴- نفخه به هوش آمدن و آفاقه از این بی‌هوشی است. (فتح الباری: ۴/۶۶).

ابن حجر بعد از نقل دیدگاه ابن حزم می‌گوید: این که دو نفخه را چهار تا تلقی کرده، روشن و واضح نیست، بلکه ارجح همان دو نفخه است، اما تغایر و تفاوت گذاشتن میان دو نفخه برگرفته از حال و وضعیت شنوندگان است، با شنیدن نفخه اول همه زندگان می‌میرند، مگر مخلوقاتی که بر اساس اراده خدا استثناء شوند آنها با شنیدن نفخه مات و مبهوت می‌گردند و با دمیدن نفخه دوم همه مرده ها زنده شده و بی‌هوش‌ها از غفلت و سرگردانی نجات می‌یابند. (حقیقت را خداوند بهتر می‌داند). (فتح الباری: ۴/۶۶).

ادامه دارد